

# اوستا کتاب دینی زرتشتیان

موبد رستم شهزادی

مشاهده خط اوستا یا دین‌دبیری بر جلد ماهنامه وزین و پیراج چیستا مرا بر آن داشت تا درباره اوستا و تاریخ تدوین این کتاب مقدس مطالبی را جهت آگاهی خوانندگان گرامی به‌رشته تحریر در آورم، باشد که مورد پسند واقع شود. به‌طوری که از نوشته‌های کتاب سوم دین‌کرد، یکی از بزرگترین تفاسیر اوستا به‌زبان عهد ساسانی یعنی پهلوی برمی‌آید، «به‌فرمان گشتاسب کیانی پادشاه معاصر اشو زرتشت بیست و یک جلد کتاب اوستا را در دونسخه که هریک بر دوهزار پوست گاو دباغی شده به‌خط زرنوشته شده بود، یکی را در دژ نبشتک (دژ نوشته) در استخر فارس و دیگری را در گنج شیزکان (قلعه شیز آذربایجان) قرار دادند، تا سند و حجتی باشد برای دیگر نویسندگان.

در هنگام یورش اسکندر گجسته (ملعون) نسخه‌ای که در دژ نبشته نهاده شده بود سوخته شد و نسخه دیگر را که در شهر شیز (آذربایجان) بود به‌فرمان وی به‌زبان یونانی ترجمه کردند و به‌یونان فرستادند. پس از اسکندر، پادشاه اشکانی به‌نام ولخس (بلاش اول ۵۱ تا ۷۸ میلادی) که مردی دین‌دار بود بفرمود تا جزوه‌های باقی‌مانده اوستا آنچه را که در دست بود گردآوری کنند. پس از وی اردشیر ساسانی، موبدان موبد زمان خود تنسر را که از دانشمندان زرتشتی بود بخواند و او را فرمود که هرچه از جزوه‌های پراکنده اوستا در دست است گردآورده و مدون سازد. سپس پسرش شاپور که دومین شاه ساسانی بود، فرمان داد تا قطعات راجع به‌پزشکی و نجوم و جغرافیا و فلسفه و دیگر علوم ایرانی را که به‌یونان و هند برده شده بود به‌دست آورده و جزء اوستا سازند و نسخه‌ای از آن را دوباره در گنج شیزکان گذارند.

و آنگاه که شاپور دوم پسر هرمز به‌شاهی رسید از برای مرتفع ساختن مناقشات دینی راجع به اوستا که در میان گروه‌های مختلف زرتشتی برخاسته بود، آذرباد مهراسپندان را فرمود که به اوستا مرور کرده سند و حجتی برصحت آن به‌دست دهد.

در روایات دینی زرتشتیان نیز آمده که چون آوازه پیمبری اشوزرتشت و کیش توحیدی مزدآپرستی سراسر جهان آن‌روز را فراگرفت، دانشمندان و فیلسوفان بسیاری از هرکشور برای دریافت پاسخ به‌پرسش‌های پیچیده و دشوار خود به پیشگاه و خشور ایران، به‌شهر بلخ روی آورده و پس از شنیدن پاسخ‌های نغز

و خردمندانۀ زرتشت به آئین مزدیسنی در می‌آمدند و در هنگام بازگشت به‌کشور خویش نسخه‌ای از اوستا را با خود می‌بردند. از میان این دانشمندان برهمنی از هند بنام چنگرنگهاچه (شنگره چاریه) و فیلسوفی از یونان به‌نام توتیانوس حکیم بودند.

یک مورخ یونانی موسوم به پلینیوس Plinius که در سده اول میلادی می‌زیسته از کتاب مورخ یونانی دیگری موسوم به هرمی‌پوس گوید که کتاب دینی ایرانیان را که زرتشت در دوملیون شعر سرآییده به دقت مطالعه کرده است. در کتاب تاریخ محمد جریر طبری آمده که چون سی‌سال از پادشاهی گشتاسب بگذشت زرتشت اسپینتمان پدید آمد و کتابی آورد که بر دوازده هزار پوست گاو به‌زور نوشته شده بود. گشتاسب بفرمود که آنرا در جایی از استخر که در نیشتم می‌گفتند نهادند و هیربدان را پاسبان آن ساخت.

درباره نقل و ترجمه اوستا به‌زبان یونانی، حمزه اصفهانی گوید: «چون اسکندر برایان غلبه یافت، چون دید که هیچ امتی را چنان دانش و علومی که ایرانیان دارند مسلم نیست، رشک برده آنچه را که توانست و در دسترس‌یافت از کتب ایشان بسوخت و سپس به‌کشتن موبدان و هیربدان و علما و حکما اشارت کرد و هرچه را که از علوم ایرانیان بایسته بود به‌زبان یونانی نقل نمود.»

ثعالبی در کتاب معروف خود «غر اخبار ملوک‌الفرس» راجع به‌اشوزرتشت و اوستا و محتویات آن‌کتاب شرح گراندها و مبسوطی دارد که ذیلاً برای مزید فایده، ترجمه آن درج می‌گردد: و زرتشت کتابی آورد و می‌گفت که از جانب خداوند یکتا به‌وی وحی شده و آنرا در دوازده هزار پوست گاو نوشته و به‌زور آراسته بود و گشتاسب بفرمود که آن‌کتاب را در دژی به‌استخر نهاد و هیربدان را بر آن بگماشت. ابن‌خردادبه گوید که تبار زرتشت به منوچهر می‌پیوست و از مغان آذربایجان بود و کتابی که آورده است در ستایش و نیایش خداوند و داستان گذشتگان و خبر از آیندگان و در بایستی‌ها و دستورهای دین می‌باشد. از جهت نزدیکی به‌خداوند آتش و نور را بزرگ داشت و آنرا پرتوی از نور خدا می‌دانست و بفرمود تا آب را که قوام آفریدگان و آبادی جهان در آنست بزرگ و پاک دارند و در ازاله نجاسات به‌کار برند و به‌پلیدی‌ها نیالایند و چنان آموخت که هرچه از تن آدمی خارج گردد از هرمنفدی که باشد پلید است. ازین روی زمره‌کردن (واج‌گرفتن و سخن‌نگفتن) را در هنگام خوراک‌خوردن سنت‌کرد تا آب دهان یکی طعام دیگری را نجس نکند و در روز سه‌نماز را واجب دانست باروی به‌نورخورشید (و در شب دو نماز روی به‌نور ماه یا چراغ یا آتش) خوردن و آشامیدن را در ظرف‌های چوبین و سفالین از آن‌جهت که نجاست‌پذیر است، بایسته ندانست و می‌گفت که روان مردگان در روزهای فروردگان (ده روز پیش از نوروز) به‌خانه‌ها و نشیمن‌گاه‌های خود باز می‌گردند از این‌رو بفرمود که در آن‌روزها خانه‌ها را پاک کرده و فرش‌های شسته و پاکیزه بگسترند و جامه‌های نو و پاک بپوشند

و خوراکی‌های نیکو و اشتهاآور برخوان نهند، تا روان درگذشتگانشان به پیوی آن خوراکی‌ها توان و نیرو گیرند. مس میت و دست‌زدن به‌مرده را برای هرکس واجب دانست و می‌گفت هرکه به‌مرده دست زند او را غسل واجب آید زیرا چون روان پاک از تن آدمی جدا گردد تن او نجس شود. و بر مردمان مراعات طهارت را واجب دانست و امر کرد که یک دهم از همه اموال خود را خارج کرده به‌درویشان و بینوایان و بی‌چیزان دهند و پل‌ها را اصلاح کرده و نهرها را پاک کنند و زمین‌ها را آباد سازند و گوید که طلاق جز به یکی ازین سه چیز: زنا و جادوگری و ترک‌دین صورت نگیرد و می‌خواری و زناکاری و دزدی را حرام کرد. «قاضی ابوالقاسم صاعدین احمد اندلسی (متوفی در ۶۶۲ هجری) در کتاب «طبقات‌الامم» خود، راجع به‌اشو زرتشت و آئین ایران‌باستانی بیانی دارد که می‌فرماید: «اما علت پذیرفتن دین مجوسی به‌وسیله ایرانیان این بود که زرادشت فارسی که در سال سی‌ام سلطنت به‌تاسب پادشاه ایرانیان ظهور کرد، و به‌تاسب را به‌دین مجوس خواند و او و گروهی ایرانیان آنرا پذیرفتند و مجوسی شدند، و ایرانیان قریب هزار و سیصدسال به‌مذهب مجوس بودند تا آن‌که سلطنت آنان را عمرین خطاب برهم زد. پس جماعتی از ایرانیان اسلام آوردند و عده‌ای به‌دین مجوس تا حال باقی ماندند و از اهل ذمه مانند یهود و نصارا محسوب می‌شوند و اکنون در عراق و اهواز و بلاد فارس و اصفهان و خراسان و دیگر شهرهای ایران سکنی دارند».

در *مجله‌التواریخ و القصص* آمده «چون اسکندر زومی ایران را بگرفت او را حسد برخاست به‌علماء و موبدان ایران، پس همه حکیمان را با کتاب‌های آنان جمع کرد و آنچه خواست ترجمه کرد و به‌یونان فرستاد نزدیک ارسطاطالیس و بقیه هرچه از کتب پارسیان بود بسوخت» (۱).

**گردآوری اوستا در زمان اشکانیان** - برابر کتاب سوم دینکرد، پس از اسکندر نخستین کسی که اوستای کهن را از نو گردآوری کرده و قطعات پراکنده آنرا به‌هم پیوست، ولخث یا بلاش اشکانی بود. این پادشاه فرمان داد تا اوراق باقیمانده اوستا اعم از آنچه‌مدون بود یا در یادها و خاطرها مانده بود گردآوری کنند. از آنجائی که در دودمان شاهان اشکانی پنج‌تن به‌نام ولخث یا بلاش به سلطنت رسیدند. در میان مورخان و محققان در تعیین بلاش گردآورنده اوستا اختلاف است ولی دارمستتر این شخص را بلاش اول می‌داند که از ۱۵ تا ۷۸ میلادی سلطنت کرده و معاصر نرون امپراطور روم بوده است، یعنی در آن‌زمانی که انجیل نوشته می‌شد.

ثعالبی در کتاب *غرر اخبار ملوک‌فارس*، جمع‌آوری علوم ایرانی را در زمان اشکانیان به (اقفور شاه اشکانی) نسبت داده و می‌نویسد «اقفور شاه در مداین و برباکتر عراق و پارس سلطنت می‌کرد. وی درفش کاویانی را در جائی که پنهان کرده بودند به‌دست آورد و به‌ملک روم تجاوز کرد تا انتقام دارا را بکشد. وی

عده‌ای از قلاع رومیان را خراب کرد و آنچه‌را که اسکندر از کتب طب و نجوم و فلسفه برداشته بود به ایران بازگردانید.

**گردآوری اوستا در زمان ساسانیان** - بنابر نوشته کتاب سوم و چهارم دینکرد، نخستین پادشاه ساسانی اردشیر بابکان هیربدان هیربد زمان خود تنسر را به‌دربار خود خواند و دستور داد تا بازمانده جزوه‌های اوستا را که تا آنروز گردآوری نشده بود مدون سازد. پس از وی پسرش شاپور (۲۴۲-۲۷۴) فرمان داد تا قطعات راجع به‌طب و نجوم و جغرافیا و فلسفه و دیگر دانش‌های ایرانی که به‌هنگام یونان برده شده بود به‌دست آورده جزو اوستا سازند و نسخه‌ای از آن را بار دیگر در آتشکده آذرگشسب در شیزکان گذارند و بالاخره شاپور دوم پسر هرمز، موبدان موبد زمان خود آذرباد اسپندان را برآن داشت تا بار دیگر به‌اوستا مرور کرده سند درستی را به‌عنوان حجت به‌دست دهد.

در کتاب چهارم دینکرد، فقره ۲۷ آمده پس از آن‌که آذرباد پسر مهراسپند به‌اوستا مراجعه کرده نسک‌های آن‌را مرتب ساخت، شاپور پسر هرمز گفت: «از این پس گمراهی و سرگردانی در دین نشاید» (۱).

آنچه را که در پیرامون جمع‌آوری اوستا از کتب مورخین دوره اسلامی باقی ماند، عیناً با نوشته دینکرد مطابقت دارد. در مجمل‌التواریخ آمده است: «در ایران هیچ دفتری نماند که سکندر نسوخت و آنچه خواست به روم فرستاد. اردشیر همت به‌جمع‌آوری علوم و تصانیف قدیم فرمود. ثعالی در کتاب «غراخبار» گوید: اردشیر بفرمود که کتب دینی و طبی و نجومی را که اسکندر برخی از آن‌ها را سوزانیده و بسیاری از آن‌ها را به‌روم (یونان) برده بود فراهم آورده و از نو گردآوری کنند و بدان کار توجه بسیار کرده مال‌های بسیار برآن صرف کرد. این ندیم از قول ابوسهل نوبخت در الفهرست گوید: اسکندر پس از دست‌یابی بر ایران، دارا، پسر دارا شاه را بکشت و شهرها و کاخ‌های بزرگ را منهدم ساخت و آنچه از علوم و فنون بر سنگ‌ها و چوب‌ها نقش گردیده تباہ ساخت و سپس فرمان داد کتبی را که پادشاهان ایران در دیوان‌ها و گنج‌ها ضبط کرده بودند نخست به‌زبان یونانی و قبطی ترجمه و استنساخ کرده و سپس همه را طعمه آتش سازند و گویند آنچه را که از علوم و فنون و گنج‌ها دست یافته‌بود بادانشمندان که دانای آن‌علوم بودند به‌مصر فرستاد، ولی در ناحیه چین و هند کتبی از ایرانیان که پادشاهان فارسی سابقاً در عهد پیغمبرشان زردشت و جاماسب نوشته و بدان کشورها فرستاده بودند باقی بود زیرا زردشت و جاماسب ایرانیان را از واقعه اسکندر و تسلط خرابی‌های او بکشور ایران خبر داده و ایشان را از آن حادثه بزرگ آگاه ساخته بودند. چون اردشیر بابکان که از نسل ساسان بود ظهور نمود همه پراکندگی‌ها و فرق مختلف و ملوک الطوائف را برانداخته و ایران را به

اتحاد و یک خدائی و حکومت واحد درآورد. تن‌های بی‌جان و پیکرهای بی‌روح ایرانیان را نشاط و حیات بخشید. پس کتبی را که از پیش در چین و مصر باقی مانده بود و همچنین کتاب‌هایی را که اسکندر به یونان فرستاده بود از آن کشور بخواست و آنچه را که از علوم ایرانی پراکنده و متفرق بود گردآوری کرد و پس از وی پسرش شاپور، کار پدر را دنبال کرده علوم فارسی را فراهم آورد. پس از این دو پادشاه خسرو انوشیروان شرح‌هایی را که علمای یونانی و اسکندرانی و هندی برکتب مزبور نوشته بودند از لحاظ این‌که علاقه و تعلق خاطر به علم و معرفت داشت فراهم آورده و در تألیف و جمع‌آوری آن‌ها بکوشید و به مقتضای آن علوم کار کرد (۱). بطوری که استاد کریستنسن دانمارکی می‌نویسد، ساسانیان از آغاز با روحانیون و علمای زرتشتی متحد شدند و این رابطه و صمیمیت در میان دین و دولت تا پایان روزگار آنان پای برجا بود (۲).

**اوستای زمان ساسانی -** بنابر کوشش‌هایی که علما و روحانیان زرتشتی به امر شاهان اشکانی و ساسانی در گردآوری اوستا به عمل آوردند از جمیع کتب و جزواتی که از نوگردآوری و تدوین گردیده بود، برابر روایات و سنت‌های ساسانی زرتشتی به بیست و یک نسک یا نسخه یا کتاب تقسیم گردید و باز بنابر سنت دیرین این کتاب‌ها را به سه بخش گاسانیک، مانتریک و داتیک از هم جدا کردند. بهره گاسانیک عبارت بود از هفت کتاب درباره سرودها، مناجات و ادبیات مینوئی و اصول دین زرتشتی که از همه بخش‌ها مهم‌تر بود. بهره دوم، مانتریک که عبارت بود از هفت جزوه درباره نماز و ادعیه و اذکار و نیایش‌های بایسته در مواقع و فصول مختلف سال و ساعات روزانه نماز. سومین بهره یا داتیک که عبارت بود از هفت نسک راجع به دادها و قوانین و احکام مذهبی و اجتماعی و طهارت و کشاورزی و دام‌پروری و پزشکی و غیره و نام این بیست و یک نسک عبارت بودند از:

- ۱- سوذگر نسک، شامل ۲۲ فصل درباره روش پارسایی و دین‌داری.
- ۲- ورشت مانسر نسک، شامل ۲۲ فصل در پیرامون امور دینی و روش برگزاری ادعیه و اذکار.
- ۳- بخ نسک، شامل ۲۲ فصل درباره آموزش‌های دینی و اصول کیش زرتشتی.
- ۴- دامداد نسک، شامل ۲۲ فصل درباره جاودانی روان و بهشت و دوزخ و جهان پسین و رستاخیز.
- ۵- ناتر نسک، شامل ۳۵ فصل درباره ستارشناسی و نجوم.
- ۶- باجک نسک، شامل ۲۲ فصل درباره اعمال و مناسک دینی زرتشتی.
- ۷- روداد نسک، که پیش از حمله اسکندر شامل پنجاه فصل و بعداً سیزده

۱- الفهرست ابن ندیم صفحه ۲۲۴.

۲- ایران در زمان ساسانیان صفحه ۸۸.

- فصل باقی‌مانده و درباره مسایل سیاسی و نظامی و اجتماعی بود.
- ۸- برپیش نسک، که پیش از حمله اسکندر شامل شصت فصل و بعداً دوازده فصل باقی‌مانده و درباره مسایل حقوقی و قانونی بود.
- ۹- کسروپ نسک، که پیش از حمله اسکندر شامل شصت فصل و بعداً پانزده فصل باقی‌مانده و درباره اعمال دینی و روش آئینی است.
- ۱۰- ویشتاسب نسک، که پیش از حمله اسکندر شامل شصت فصل و بعداً ده فصل باقی‌مانده و درباره زندگی گشتاسب کیانی است.
- ۱۱- وشنک نسک، که قبل از حمله اسکندر شامل ۲۲ فصل و بعداً شش فصل باقیمانده و درباره رفتار و کردار یکنفر پارسا است.
- ۱۲- چترداتیک نسک، که شامل بیست و دو فصل و یکی از نسک‌های مهم اوستا بوده و راجع به پزشکی - آفرینش - نژادها و آداب و رسوم است.
- ۱۳- سپند نسک، که شامل شصت فصل درباره اخلاق و سلوک شایسته و مثل‌هایی از زندگی زرتشت است.
- ۱۴- بغان نسک که شامل عهده فصل درباره اهورامزدا و فرشتگان و امشاسپندان و شیوه نیایش است.
- ۱۵- نیکاتوم نسک، که شامل پنجاه فصل درباره راستی - درستی عدالت اوزان و مقادیر است.
- ۱۶- گنباسر نسک، که شامل شصت و پنج فصل درباره ازدواج - قوانین حقوقی و قضائی و مدنی است.
- ۱۷- موسپارم نسک، که شامل شصت و چهار فصل و درباره پاداش و کیفر پس از مرگ، کشاورزی و حقوق کشاورزان است.
- ۱۸- سکاوتوم نسک، که شامل پنجاه و دو فصل درباره طرز حکومت - عدل و داد - قضاوت و طبقات داوران است.
- ۱۹- وندیداد نسک، که شامل بیست و دو فصل درباره احکام طهارت و قوانین گوناگون است.
- ۲۰- هادخت نسک، که شامل سی فصل درباره فرشتگان - دعا و نماز و سرنوشت روح در جهان پسین است.
- ۲۱- ستود نسک، که شامل سی و سه فصل درباره اهورامزدا و ستایش امشاسپندان است.

**کتاب‌های زند اوستا -** پس از حمله اسکندر به‌ویژه در دوران حکومت خاندان اشکانی و ساسانی زبان ایرانیان به‌جای اوستا تبدیل به یکی از لهجه‌های فارسی شرق ایران یعنی پهلوی گردید. در نتیجه زبان دینی زرتشتیان یعنی اوستا به‌تدریج فراموش شد و پس از مدتی تنها موبدان از عهده درک و فهم کتاب‌های اوستا برمی‌آمدند. این تغییر زبان و لهجه سبب شد که مردم عام دیگر از عهده درک و فهم مطالب این بیست و یک نسک اوستای اصلی برنمی‌

آمدند و برسر عبارات و مطالب آن بین زرتشتیان مجادلات لفظی و اختلافات نظری و عقیدتی و تفاسیر گوناگون به وجود آمد که روزبه روز بالا گرفته و رو به فزونی می‌نهاد، بدین روی برای رفع این اختلافات شاپور دوم انجمنی به ریاست آذریاد پسر مهر اسپند که در آن روزگار موبدان موبد و از دانشمندان بزرگ عصر ساسانی به‌شمار می‌رفت و بعضی از مورخان او را زرتشت ثانی نامیده‌اند تشکیل داد، این انجمن متن صحیح و قطعی اوستا را تصویب کرد و تفاسیری برعریک نوشت و آنرا چنانچه گفته شد به بیست و یک نسک یا کتاب تقسیم کرد، بعداً مفسرین و مترجمین دیگر به پیروی از آذریاد و بنابه‌نیاز آن روز به ترجمه و تفسیر اوستائی پرداخته و بدین وسیله جزوات بسیاری اعم از ترجمه یا تفسیر به زبان و خط پهلوی براوستاعای موجود فراهم گردید، که امروزه به نام زند اوستا یعنی ترجمه یا تفسیر اوستا معروف است. گرچه ما از نام و تاریخ بسیاری از این نویسندگان اطلاع درستی نداریم ولی با رجوع به محتوای آن می‌توان تا اندازه‌ای به رفع این ابهام پرآمد. مثلاً در تفسیر پهلوی وندیداد که در فرگرد چهار بند چهل و نه ذکری از مزدک با همدادن به میان است که به فرمان خسرو انوشیروان کشته شده، می‌توان تاریخ آن را در حدود سال ۵۲۸ میلادی تعیین نمود و با نظیر این گونه مطالب می‌توان در تعیین تاریخ و نام موبدان موبد آن زمان استفاده کرد - اینک می‌پردازیم به ذکر نام کتاب‌ها و رسالاتی که از اوستا به پهلوی ترجمه یا تفسیر گردیده:

- ۱- وندیداد پهلوی - که حاوی ترجمه و تفسیر کتاب وندیداد اوستاست.
- ۲- یسنای پهلوی - این کتاب کلمه به کلمه اوستا را به پهلوی ترجمه کرده و حاوی هیچگونه تفسیری نیست.
- ۳- نیرنگستان - مشتمل بر جملات اوستایی با ترجمه پهلوی و تفاسیری که سه چهارم آن از سنت روز گرفته شده است.
- ۴- همبردستان - بقایایی است از نسک هفده اوستا موسوم به هوسپارم با ترجمه و تفسیر پهلوی.
- ۵- ویشتاسب یشت پهلوی - ترجمه پهلوی است از ویشتاسب یشت اوستا با یک دیباچه یا مقدمه.
- ۶- ویسپرد پهلوی - حاوی ترجمه و تفسیر کتاب ویسپرد اوستا.
- ۷- فرهنگ اویم ایوک - مشتمل بر هزار کلمه اوستایی با معانی آن به پهلوی و دستور زبان اوستا.
- ۸- اورمزد یشت پهلوی - ترجمه ایست به پهلوی از اوستا.
- ۹- بهرام یشت - ترجمه ایست به پهلوی از اوستا.
- ۱۰- هفتن یشت - ترجمه ایست به پهلوی از اوستا.
- ۱۱- سروش یشت عاخذت پهلوی.
- ۱۲- خورشید یشت پهلوی.

- ۱۳- ماه یشت.
- ۱۴- آتش نیایش، ۱۵- آبزور.
- ۱۶- ماه نیایش، ۱۷- آفرینگان گاهنبار.
- ۱۸- آفرینگان دهمان، ۱۹- آفرینگان فروردینگان.
- ۲۰- آفرینگان پنجه، ۲۱- سیروزه بزرگ.
- ۲۲- سیروزه کوچک، ۲۳- هادخت نسک پهلوی.
- ۲۴- خورتک یشت - شامل ترجمه قطعات برگزیده یشت‌ها به پهلوی.
- ۲۵- ائوگمائچا - مشتمل بر بیست و نه‌بند از اوستا با ترجمه و تفسیر به‌یازند و مطالبی راجع به‌حقانیت مرگ با ترجمه به‌سنسکریت.
- ۲۶- گزیده گات‌ها - ترجمه قطعات گات‌ها به‌پهلوی با تفسیر.
- ۲۷- وجرکرد دینی - مشتمل بر مجموعه پراکنده و متنوعی از متون دینی و ترجمه‌های پهلوی راجع به‌نسب و زندگانی اشوزرتشت و آداب برشئوم - سدره و کشتی - زناشویی و مراسم کفن و دفن و غیره.
- ۲۸- شایست ناشایست - مشتمل بر کارهای دینی مستحب و حرام.
- ۲۹- صد در بندهشن - صد فصل یا باب از اصول و فروع دین.
- ۳۰- دادستان دینی - فتاوی مختلف دینی.
- ۳۱- شکن گمانیک و جار - گزارش‌ها یا بیانات شک شکن.
- ۳۲- بندهشن - شرح چگونگی آفرینش خلقت یا سفر پیدایش.
- ۳۳- مینوخرد - خرد مینویی یا اطلاعات لازمه دینی.
- ۳۴- مادگان یوشت‌فریان - شرح حال شخصی به‌نام یوشت فریان.
- ۳۵- جاماسب بیتاک - زندگی‌نامه جاماسب حکیم، وزیرگشناسب.
- ۳۶- مادگان ویراف - اردای ویراف نامه راجع به‌عواقب کارهای نیک و بد در جهان دیگر، ۳۷- اندرز آردباد مار اسپند، ۳۸- کارنامه اردشیر بابکان.
- ۳۹- گنج شایگان.
- ۴۰- مادگان سی شهران - وضع جغرافیا و آب و هوا و مطالب دیگر درباره سی‌شهر ایران.
- ۴۱- مادگان روزخورداد و ماه فروردین - یا وقایع و حوادث گذشته در روز ششم فروردین. ۴۲- مادگان ایویانگهن - شرح و تفسیر کشتی و سدره.
- ۴۳- اندرز دانامرد.
- ۴۴- زند و هومن‌یشت - پیشامدهای گذشته و آینده ایران و جهان.
- ۴۵- مادگان خسرو کوادان - شرح حال و زندگی‌نامه خسرو انوشیروان.
- ۴۶- مادگان درخت اسوریک - مباحثه درخت نخل و بز. تألیف دوره اشکانی.
- ۴۷- شهرستان‌های ایران.
- ۴۸- داروی خورسندی.



- ۴۹- مادگان آب و آتش - مشتمل بر فواید آب و آتش.
- ۵۰- مادگان آذرفرن بای فرخزادان - زندگی نامه یکی از موبدان بزرگ.
- ۵۱- مادگان گجسته ابالیس - شرح مباحثه دینی یک موبد زرتشتی یا غیر زرتشتی.
- ۵۲- مادگان شترنگ - شرح پیدایش و بنیاد شترنج و نرد.
- ۵۳- چندارچ بیژن - چند فواید ستایش، ۵۴- شاهنامه آسوریک و پارسیک.
- ۵۵- خوتای نامک یا خدای نامه - شاهنامه پهلوی که امروز از دست رفته.
- ۵۶- زندکلیک و دمنک یا ترجمه «پنجه تنترای سنسکرت به پهلوی که از دست رفته است.
- ۵۷- مادگان هزار دادستان - هزار ماده فتاوی دینی.
- ۵۸- روایات متعدد، ۵۹- برگزیده زاداسیرم، ۶۰- رساله های منوچهر.
- ۶۱- پتت آذرباد ماراسپند، ۶۲- یادگار بزرگمهر، ۶۳- پندنامه زرتشت.
- ۶۴- اندرز اوشنر دانا، ۶۵- پندنامه های مزدیسنان.
- ۶۶- اندرز به بهدینان.
- ۶۷- آموزش پدر به پسر.
- ۶۸- آفرین اردافروش.
- ۶۹- سخنان آذر فرنیغ و بخت آفرید.
- ۷۰- آفرین بزرگان،
- ۷۱- پاسخ سه دانشمند به پادشاه.
- ۷۲- ماتیکان یزدان.

### اوستا پس از یورش تازیان به ایران

سرزمین ایران با قرار داشتن در چهارراه جهانگیران شرق به غرب و بالعکس نه تنها مردمانش پیوسته مورد تاخت و تاز بیگانگان قرار میگرفته، بلکه منزل و مأوا و شهر و ده و آثار باستانی ایرانیان همیشه دستخوش تهاجمات اقوام مختلف بوده است از جمله این آثار باستانی کتاب های مقدس اوستا یعنی دایرةالمعارف دینی، فرهنگی، علمی و هنری ایرانیان است که مهاجمان یا از روی نادانی یا حسادت یا تعصب دینی در هر حمله ای در معرض آتش سوزی و نابودی قرار می دادند. به طور کلی می توان گفت که هیچ تومار و نوشته دینی در طی تاریخ به اندازه کتاب های اوستا بی درپی مورد غارت و نابودی قرار نگرفته است. می دانیم که پس از حمله اسکندر و یارانش، زرتشتیان با تلاش و کوشش فراوان موفق شدند تا اوستاهای پراکنده را دوباره گرد آورند. ولی باز دست روزگار غدار گذاشت این گنجینه گران بها محفوظ بماند و حاصل آن همه زحمات طاقت فرسا بار دیگر به دست تندباد حوادث ضایع و پراکنده نشود. کار این ویرانگری این بار به دست قومی وحشی تر از مقدونیان یعنی تازیان به این مرز و بوم صورت گرفت که با تمدن و فرهنگ خوئی نداشتند و تعصب دینی و غرور نژادی و مستی غلبه بر ایرانیان

آنان را برآن داشت که جز قرآن و سنت همه علوم و معارف و ادبیات و آثار فرهنگی دیگران را بیهوده انگارند و در نابودی آن کمر بندند. به همین جهت هنگام یورش و حشियانه‌شان کتابخانه‌های متعدد ایران سوخته شد و نسخه‌های منحصر به فرد کتب فراوانی که حاصل قرن‌ها مطالعه و تجربه و علوم نسل‌های فراوان بود همراه آثار هنری و بناهای تاریخی منهدم گشت به ویژه هرکجا نام و نشانی از قطعه‌ای از اوستا می‌یافتند آنجا را می‌سوختند و با خاک یکسان می‌ساختند. به این طریق کتب فراوان ایرانیان از جمله بخش‌هایی از اوستا دوباره از میان رفت. سرگذشت اوستا پس از اسلام تاریک است. در آن دوران سیاه جهل و نادانی و توحش اعراب به‌ویژه در دوران خلافت بنی‌امیه روحانیان زرتشتی برای حفظ اوستای موجود آنرا در میان خود تقسیم کردند و هر یک قسمتی از آن را از بر می‌کردند و بدین وسیله اوستا سینه به‌سینه به نسل آینده سپرده می‌شد.

عده‌ای از ایرانیان در همان قرن اول یورش تازیان ترک میهن کرده و به سوی هندوستان و چین و کشورهای هم‌جوار رهسپار شدند. اینان جزوات و رسالات و قطعات مکتوب را که با هزاران کوشش و فداکاری با خود نگهداشته بودند به هند و جاهای دیگر بردند که بعداً قسمت عمده آنرا به‌زبان محلی ترجمه کردند. و در زمان خلفای بنی‌عباس که موقتاً ایرانیان حرمتی یافتند آن کتاب‌ها به‌کوشش دانشمندان باقی‌مانده زرتشتی در ایران به عربی ترجمه شد و از نابودی کامل نجات یافت.

شرح این تلاش و کوشش برای نگهداری و احیا اوستا یعنی دایرة‌المعارف بزرگ علمی و ادبی و هنری و دینی ایرانیان در نوشته‌های مورخین شرق و غرب به‌وفور یافت می‌شود که بیان آن درین مقاله ننگد.

همین اعراب که در آغاز به‌نام تبلیغ مذهب و گسترش دین اسلام، به ایران تاخته بودند به‌زودی نژادپرستی را بر دین‌دوستی ترجیح داده و تا آنجا که توانستند حتی بر پیروان مذاهب مختلف اسلام از جمله شیعیان ایران ستم کردند و کتب و رسالات مذهبی آنان را به‌نام کفر و زندقه به‌آب و آتش افکندند و امامان و دانشمندان آنان را به‌انواع طرق شکنجه و آزار داده یا در زندان‌ها مسموم و مقتول می‌ساختند.

### تدوین و گردآوری اوستا پس از تازیان

پس از برجیده شدن حکومت بنی‌امیه به‌کوشش ایرانیان به‌سرکردگی ابومسلم خراسانی و روی‌کار آمدن عباسیان دوباره نهضت بسیار شگفتی در رستاخیز آئین زرتشتی برپا گشت.

در این رستاخیز بزرگ مردی بلند همت و دانشمندی زرتشتی به‌نام «آذر فرنیغ» در روزگار مأمون به‌گردآوری و تهیه و تدوین جنگ بزرگی به‌نام

دینکرد پرداخت. دانشمندی دیگر به نام مردان فرخ‌پسر اورمزداد کتابی به نام شکند گمانیک و پچار نوشت به‌طور خلاصه در این عصر کتاب‌های بسیاری به زبان پهلوی اعم از ترجمه یا شرح بخش‌های اوستا نوشته شد که بدبختانه نام اغلب نویسندگان و تاریخ نوشتن آن بر ما روشن نیست. از طرف دیگر بسیاری از دانشمندان ایرانی زرتشتی و مسلمان به ترجمه کتب اوستا و پهلوی به عربی پرداختند که تا امروز موجود و ذکر آن در کتب مورخین ایرانی و غیرایرانی موجود است.

### اوستاهای موجود فعلی

با آن‌چه صدمه و لطمه‌هایی که در طی سده‌های بسیار به‌وسیله دشمنان خودی و بیگانه بر کتاب‌های اوستا وارد شده باز هم امروز نامه‌های موجود اوستا از حیث حجم و محتوا بیش از کتب سایر ادیان جهانست که می‌توان آن‌را به پنج بخش تقسیم کرد:

۱- یسنا که دارای ۷۲ فصل است و مفصلی به نام هات یا ها خوانده می‌شود و گات‌ها یا سروده‌های خود اشو زرتشت در بطن آن قرار گرفته که از حیث مفاد و معنی و آموزش دینی و اخلاقی بر سایر بخش‌های اوستا برتری دارد.

۲- ویسپرد که دارای ۲۳ فصل و مفصلی به نام کرده یا کرته خوانده شده و مطالب آن مربوط است به وظایف و تکالیف دینی و اخلاقی ردان یا پیشوایان و بزرگان دین و طرز سلوک آنان با مردم.

۳- یشت‌ها به معنی نیایش‌هاست که سابقاً به تعداد روزهای ماه یشت ویژه‌ای موجود بوده ولی امروز بیش از بیست و دو یشت در دست نیست. یشت‌های امروزه گرچه ترکیب شعری ندارد ولی هنوز هم کلامش موزون و با طرزی شاعرانه ادا می‌شود هر یک از یشت‌ها در مدح یکی از عوامل و آثار زیبای طبیعت بوده که همیشه مورد تکریم و تمجید شعرا و نویسندگان خوش طبع و ذوق لطیف ایرانی بوده و هست که به قول یکی از آن‌ها - به دریا بنگرم دریاته وینم - به صحرا بنگرم صحرا ته وینم - بهر جا بنگرم کوه و در و دشت - نشان از ذات یکتای ته وینم.

۴- بخش چهارم خرده اوستا است که شامل نمازهای روزانه و نیایش‌ها و آفرینگان‌های فصول گهنبار و پنت یا توبه‌نامه‌هاست که هر زرتشتی موظف است بخشی از آن‌را روزانه یا در اعیاد ویژه یا طی مراسم درگذشتگان قرائت نماید.

۵- وندیداد یا کتاب داد و قانون که آن‌را می‌توان شبیه به فقه اسلام دانست و مطالب آن درباره آفرینش و تکوین جهان و تاریخ مهاجرت آریاها و قوانین راجع به کشاورزی و حقوق و طهارت و کفن و دفن و پزشکی و غیره می‌باشد.